

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



**دانشکده الهیات و معارف اسلامی شهید مطهری**

**رساله دکتری**

**الهیات و معارف اسلامی گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی**

**عنوان رساله:**

**بررسی تطور اندیشه فقهی در فقه معاملات (متاجر) در مقایسه دیدگاه‌های  
فقهی شیخ طوسی و شیخ انصاری**

**استاد راهنما: دکتر محمدصادق علمی**

**استاد مشاور: دکتر محمدتقی فخلعی**

**پژوهشگر: مهدی مرادی**

**تابستان ۱۳۹۶**



### صورت جلد دفاع از رساله دکتری

جلد دفاع از رساله دکتری آقای مهدی مرادی به شماره دانشجویی ۹۰۱۶۹۰۰۰۳۳، رشته الهیات و معارف اسلامی گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی در ساعت ۳۰:۱۱ روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۶/۶/۲۶ در محل دانشکده الهیات و با عنوان:

### «بررسی تطبیقی فقهی در فقه معاملات (مباجر) در معیار دیدگاههای فقهی شیخ طوسی و شیخ انصاری»

با حضور اصناف کاندیدان ذیل برگزار گردید و بر اساس کیفیت رساله و دستاوردهای آن، ارزش دفاعیه و نحو پاسخ به سئوالات، رای نهایی بیات و اوران به شرح ذیل اعلام گردید:

فرد رساله به عدد: ۱۸۲۵۰ به حروف: هجده - و بیست - و پنج صدم در رساله: بیست و پنج صفحه

استادان اراکین و مشاور:

- ۱- استاد اربابنا: دکتر محمد صادق علی سولا (استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد)
- ۲- استاد مشاور: دکتر محمد تقی قفلی (استاد گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد)

بیات و اوران:

- ۱- دکتر احمد باقری (استاد گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه تهران)
- ۲- دکتر سید محمد مهدی قزلباشی (استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد)
- ۳- دکتر محمد حسن عازمی (استاد گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد)

نایبند تحصیلات تکمیلی:

دکتر علیرضا عابدی سرآسیا

دکتر گروه: دکتر محمد تقی قفلی

لژ غرار: معاون پژوهش و فناوری دانشکده الهیات و معارف اسلامی  
دکتر منصور ستمدی

سپاس خدای را که سخنوران، در ستودن او بمانند و شمارندگان، شمردن نعمت های او ندانند و کوشندگان، حق او را گزاردن نتوانند. و سلام و دورد بر محمد و خاندان پاک او، طاهران معصوم، هم آنان که وجودمان وامدار وجودشان است؛ و نفرین پیوسته بر دشمنان ایشان تا روز رستاخیز...

بدون شک جایگاه و منزلت معلم، اجل از آن است که در مقام قدردانی از زحمات بی شائبه ی او، با زبان قاصر و دست ناتوان، چیزی بنگاریم. اما از آنجایی که تجلیل از معلم، سپاس از انسانی است که هدف و غایت آفرینش را تامین می کند و سلامت امانت هایی را که به دستش سپرده اند، تضمین؛ بر حسب وظیفه و از باب ” من لم یشکر المنعم من المخلوقین لم یشکر الله عز و جلّ: ” از استاد با کمالات و شایسته؛ جناب آقای دکتر **محمدصادق علمی** که در کمال سعه صدر، با حسن خلق و فروتنی، از هیچ کمکی در این عرصه بر من دریغ نمودند و زحمت راهنمایی این رساله را بر عهده گرفتند؛ از استاد صبور و با تقوا، جناب آقای دکتر **محمدتقی فخلعی**، مدیریت محترم گروه، که زحمت مشاوره این رساله را در حالی متقبل شدند که بدون مساعدت ایشان، این پروژه به نتیجه مطلوب نمی رسید؛ کمال تشکر و قدردانی را دارم. باشد که این خردترین، بخشی از زحمات آنان را سپاس گوید.



بسمه تعالی  
مشخصات رساله تحصیلی دانشجویان  
دانشگاه فردوسی مشهد

عنوان رساله: بررسی تطور اندیشه فقهی در فقه معاملات (متاجر) در مقایسه دیدگاه‌های فقهی شیخ طوسی و شیخ انصاری		
نام نویسنده: مهدی مرادی نام استاد راهنما: دکتر محمدصادق علمی سولا نام استاد مشاور: دکتر محمدتقی فخلعی		
رشته تحصیلی: فقه و مبانی حقوق اسلامی	گروه: الهیات و معارف اسلامی	دانشکده: الهیات و معارف اسلامی شهید مطهری
تاریخ دفاع: ۱۳۹۶/۰۶/۲۹	تاریخ تصویب:	
تعداد صفحات: ۲۲۴	مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد <input type="radio"/> دکتری <input checked="" type="radio"/>	
<p>چکیده رساله:</p> <p>در طول تاریخ، علم فقه نیز به مانند سایر دستاوردهای بشری، لااقل در بخش‌هایی ماهیت سیال و متحول داشته است. در تحقیق حاضر برای اثبات این مدعا، فقه معاملات (متاجر) در مقایسه و فاصله هشت قرن از زمان شیخ طوسی تا شیخ انصاری مورد مطالعه تحلیلی قرار گرفت. نتیجه نشان داد به مرور زمان و با حصول شناخت بهتر از ماهیت فقه در این قسمت، فقها به سمت دخالت دادن بیش‌تر به عرف و گرایش‌های عمومی حرکتی رو به جلو در پیش گرفته‌اند. موضوع‌شناسی به کلی متحول شده و مسائلی نوپدید به خود دیده است. اصول فقه نیز در این سیر شتابان، تحولاتی عمیق را پذیرا بوده است. به طور کلی می‌توان از جریان رو به رشد عرفی شدن فقه و کسب فاصله از توفیقی‌انگاری آن در این بخش یاد کرد.</p>		
امضای استاد راهنما:	تاریخ:	کلید واژه: ۱- اندیشه فقهی ۲- فقه معاملات ۳- سیره عقلا ۴- موضوع‌شناسی ۵- عرف

## فهرست مطالب

### مقدمه

- الف: بیان موضوع ..... ۱
- ب: ضرورت تحقیق و هدف ..... ۵
- ج: پرسش‌های اساسی تحقیق ..... ۶
- د: فرضیه‌ها یا پاسخ‌های احتمالی تحقیق ..... ۶
- ه: پیشنهاد تحقیق ..... ۷

### فصل اول: کلیات

- مبحث اول: ویژگی‌ها و امتیازات فقه شیخ طوسی و شیخ انصاری ..... ۹
- مقدمه ..... ۹
- گفتار اول: ویژگی‌های فقه شیخ طوسی ..... ۱۱
- گفتار دوم: ویژگی‌های فقه شیخ انصاری ..... ۱۷
- مبحث دوم: مبانی تحول‌پذیری فقه معاملات ..... ۲۱
- گفتار اول: امکان فهم مصالح احکام در فقه معاملات ..... ۲۷
- گفتار دوم: تعلیل‌پذیری فقه معاملات ..... ۳۱
- گفتار سوم: امضائی بودن احکام معاملات ..... ۳۴
- گفتار چهارم: ارشادی بودن اوامر باب معاملات ..... ۳۷
- نتیجه ..... ۳۹

### فصل دوم: بررسی تطور اندیشه در امور شکلی

- مقدمه ..... ۴۶

- مبحث اول: نحوه نگارش و ارائه مباحث فقهی ..... ۴۷
- گفتار اول: وضعیت ارائه فقه در عصر امامان معصوم: ..... ۵۴
- گفتار دوم: وضعیت ارائه فقه در دوره اهل حدیث ..... ۵۶
- الف: محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی ..... ۵۸
- ب: علی بن الحسین بن موسی بن بابویه قمی ..... ۵۸
- ج: محمد بن علی بن بابویه ..... ۵۸
- گفتار چهارم: روش بیان فقهی متکلمین ..... ۶۱
- الف: آثار شیخ مفید ..... ۶۲
- ب: مکتوبات سید مرتضی ..... ۶۶
- ج: آثار شیخ طوسی ..... ۶۸
- یک: فقه فتوایی ..... ۶۹
- دو: فقه خلافتی ..... ۷۱
- ج: فقه استدلالی ..... ۷۲
- گفتار پنجم: وضعیت بیان فقه در تألیفات پس از شیخ طوسی ..... ۷۵
- الف: السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی ..... ۷۶
- ج: تذکره الفقها ..... ۷۸
- ه: ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلائل ..... ۸۱
- و: جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام ..... ۸۲
- گفتار ششم: روش بیان فقه توسط شیخ انصاری ..... ۸۴
- نتیجه ..... ۸۷
- مبحث دوم: کاوشی در سیر مباحث فقهی از منظر تبویب ..... ۸۹

## هفت

نتیجه ..... ۹۶

## فصل سوم: بررسی تطور اندیشه فقهی در امور ماهوی

مقدمه	۱۰۰
مبحث اول: بررسی تحولات در قسمت موضوع شناسی	۱۰۰
گفتار اول: تعریف اصطلاحات	۱۰۴
الف: موضوع و متعلق	۱۰۴
ب: معنای حکم	۱۰۹
گفتار دوم: توسعه زمینه‌های پژوهشی موضوع شناسی	۱۱۰
الف: توسعه توجه و اهتمام به موضوع شناسی	۱۱۳
ب: رشد تعمیق در مباحث موضوع شناسی	۱۲۱
یک: دقت در موضوع تحریم مجسمه‌سازی	۱۲۳
دو: بیان موضوع سحر و انواع آن	۱۲۴
سه: بررسی جوانب حفظ کتب ضلال	۱۲۴
ج: گسترش توجه به تفاوت‌های موضوعات	۱۲۸
د: بروز و گسترش مسئله‌ی وظیفه شناخت موضوع	۱۳۲
ه: توسعه توجه به منابع شناخت موضوع	۱۳۹
گفتار پنجم: علل بروز تحولات در موضوع شناسی	۱۴۸
الف: تغییر در زندگی اجتماعی و افزایش پیچیدگی‌های آن	۱۴۸
ب: اهتمام به احکام و محرز پنداشتن موضوعات در گذشته	۱۴۸
ج: انتزاعی بودن روش تحقیق در فقه گذشتگان	۱۴۹
مبحث دوم: بررسی تحولات ماهوی در کبرای قیاس	۱۵۰



گفتار اول: تحولات و تغییرات در میزان و نحوه کاربرد عرف.....	۱۵۰
الف: شناخت عرف.....	۱۵۳
ب: زمینه‌های توسعه کاربرد عرف.....	۱۶۱
الف: شناخت سیره عقلا.....	۱۹۸
ب: پیشینه استناد به سیره عقلا.....	۲۰۶
ج: تحلیل علل پدیدار شدن سیره عقلا.....	۲۲۳
گفتار سوم: بررسی تحولات در اندیشه‌های اصولی.....	۲۵۲
الف: سیر تاریخی دانش اصول فقه و مکتوبات آن.....	۲۵۳
ب: جریان تحول در اصول عملیه.....	۲۶۲
فهرست منابع.....	۲۹۹

## مقدمه

### الف: بیان موضوع

به هنگام مطالعه و بازنگری بیرونی یک علم، از جنبه‌های گوناگونی می‌توان به آن نگریست. از حیثی می‌توان علم را به شکل مجموعه‌ای از قضایا بررسی نمود و از حیث دیگر شاخص‌ها، کاربردها و مسائل مرتبط با آن را در نظر گرفت و نهایتاً می‌توان به عنوان کلیتی سیال و در جریان تاریخی، به مطالعه و مذاقه در آن پرداخت. در روش اخیر با شیوه‌ای تحلیلی-تاریخی به علم به عنوان هویتی پایا و ثابت که در زمان تکون یافته، نگریسته می‌شود. سپس عناصر متغیر و ثابت از یکدیگر تفکیک می‌شوند و علل تغییرات، مورد واکاوی قرار می‌گیرند. نتیجه این دست تألیفات و تحقیقات، مجموعه‌ای کلی پیش روی مخاطب می‌نهد که شناختی جامع از علم موضوع مطالعه را تصویر می‌نماید.

علم فقه به عنوان اصلی‌ترین نمود فرهنگ و اندیشه اسلامی که با همه‌ی شئون زندگی مسلمانان عجین است، به ندرت مورد مطالعه‌ی تاریخی از این دست قرار گرفته است. در حالی که به گواهی اندیشمندان، علم فقه سیری خطی و یکنواخت را پشت سر نگذاشته است و نیک می‌دانیم در علوم‌ی که سرگذشتی چنین پر فراز و نشیب داشته‌اند ضرورت این گونه تحقیقات بیشتر احساس می‌شود.

ذکر دو نکته اساسی، پیش از ورود به اصل بحث ما را در فهم بهتر موضوع یاری می‌کند:

یک: اهمیت و جایگاهی که فقه در میان هندسه معارف دینی برخوردار بود، مسلمانان را بر آن داشت تا از بدو ظهور اسلام، عمده توجهات خود را به این دانش معطوف سازند و حداکثر توان خود را برای پویایی آن بکار گیرند. عوامل متعددی در این زمینه مؤثر واقع شده‌اند که

عمیق‌ترین آن‌ها را باید تأکیدات ائمه مذاهب و پیش‌تر شخص رسول‌الله ﷺ بر لزوم تبعیت از فقه و تشویق مسلمانان به کاربرست آن دانست. به علاوه این که علم فقه خود نیز از ویژگی‌هایی برخوردار بود که غفلت از آن به راحتی ممکن نمی‌شد، زیرا در تمام مراحل و بخش‌های زندگی مسلمانان نقش آفرینی داشت و تعالیم آن به گوشه‌ای از حیات محدود نمی‌گشت. در نتیجه و به طبع فزونی توجه به آن و همچنین با عنایت به ظرفیت‌های درونی، پیشرفت و توسعه علم فقه، در فاصله‌ای نه چندان زیاد، چشمگیر ملاحظه می‌شود.

دو: دانش فقه از دو حیث متغایر و در عین حال در هم تنیده تشکیل شده است: به تعبیری چون بیان برنامه و نحوه‌ی سلوک و منش بندگی است و از همین رو متصل به منبع وحی و کلام باری تعالی می‌باشد، ماهیتی قدسی می‌یابد. در مقابل از آن رو که حاصل تأملات بشری است صبغه‌ای «اینجایی» به خود می‌گیرد. به سخنی دیگر هر چند قداست همراه و عجین فقه است، اما نباید به جهت وجود زمینه‌های بشری، از محدودیت‌ها و ظرفیت‌های آن غافل شد.

تکیه بر این خصلت، بیان‌گر دو امر اساسی است: اول این که به امکان و وقوع فراز و نشیب در مسیر تاریخی این علم تأکید می‌کند. دیگر این که در واقع برای وقوع و بروز تحولات مشهود، توجیهی معقول ارائه می‌نماید.

پس از ذکر و توجه به این نکات باید افزود فقه به مانند هر دانش بشری در بستر زمان تکون یافته و محصول زمانه‌ی خویش است. مطالعه‌ی بیرونی این دانش به خوبی روشن می‌سازد که چگونه در گذر ایام بسط می‌یابد، تغییر را پذیرا می‌شود و صاحب ساختارهای پیچیده می‌گردد. همچنین در میانه و کشاکش نقض و ابرام‌های وارده، نواقص علم مرتفع شده و ماهیتی یک دست در آن پدید می‌آید.

مطالعات همچنین معلوم می‌سازد دغدغه هم‌آهنگی فقه با تحولات پیرامون، پیش فرضی پذیرفته شده در ناخودآگاه فقه پژوهان بوده و هست. در نتیجه اگر امروزه سخن از لزوم تغییر یا تحول شنیده شود امری بدعی و ناخوشایند محسوب نمی‌گردد و قائل – صرف نظر از هرگونه پیش فرضی که برای خود برگزیده – سخنی ملائم با طبع و ساختار فقه به زبان آورده است.

بدون کمترین تردیدی، تغییرات همواره نشانی از پویایی دارند. آن چه در این اثنا اهمیت می‌یابد شناخت عرصه‌هایی است که تغییر را پذیرا و از آن ناگزیرند و تفکیک میان آن‌ها و بخش‌هایی است که فقه‌پژوهان با پذیرش وصلی بنیادین، راه را بر تغییر و تحول در آن‌ها منسد دانسته‌اند.

تحقیق پیش رو با راهنمایی‌های راهگشای استادانی که به حق بهره‌ی وافى از علم فقه یافته‌اند، سعی بر آن دارد مقاطعی از تاریخ از این علم را با نگاهی کشفی - تاریخی بررسی نموده و تطورات اندیشه‌های فقهی را این بار از نظرگاهی نوین ارزیابی نماید. در طول این مسیر نه در پی نقد آراء و فتاوی فقیهان خواهیم بود و نه از دریچه تحقیق توان بررسی همه عناصر تحول و تغییر را خواهیم داشت. صرفاً با توجه به سیر پیشرفت فقه، مقاطعی را که به زعم عموم فقه‌اندیشان باروری و پویایی بسزایی داشته و پایه‌هایی برای بنیان‌های بعدی قرار گرفته‌اند گزینش نموده‌ایم تا آن چه به دقت علمی در مقاطع مورد نظر با دگرگونی و تحول مواجه شده گزارش نماییم. قطعاً با توجه به رسالت تحقیق حاضر، بخش‌هایی از تحولات مورد بررسی قرار نخواهند گرفت. این امر نه از سر غفلت، بلکه ناظر به ظرفیت‌های مورد انتظار از رساله‌ی تحقیقی است، از این رو آگاهانه دست به حذف و انتخاب زده‌ایم و بیش‌تر آن تغییراتی را که می‌توان ناشی از مقتضای تحولات تاریخی نامید مورد تحقیق قرار داده‌ایم.

متذکر می‌شویم تعبیر ما از اندیشه‌های فقهی در این رساله معنایی اعم و دربرگیرنده از مسائل مرتبط پیش روی فقیه و مؤثر در عملیات استنباط است، لذا گاه از موضوع‌شناسی سخن خواهیم گفت و گاهی به دانش اصول فقه نظر خواهیم داشت. به ناچار برای تعمیم عنوان برای همه موضوعات تحقیق، از اصطلاح اندیشه فقهی استفاده شد تا به تسامح همه را شامل شود.

به عنوان عمده دلیل پذیرش تضییق در دامنه تحقیق و ایجاد محدودیت در آن به عرصه فقه معاملات (متاجر) صرف نظر از این که مباحث کتاب مکاسب شیخ انصاری منحصر در کتاب البیع و مسائل آن است باید از سهولت دست یابی به متون فقهی و آراء و دیدگاه‌های فقیهان در مسائل مورد نظر یاد کرد. به علاوه این که بستر فقه معاملات قابلیت‌هایی درونی دارد که بیش از سایر قسمت‌های دانش فقه پذیرای تحول و تغییر می‌باشد و این امر نیز در انتخاب مغفول‌نمانده است. با این حال نباید و نمی‌توان جریان مطالبی که در فصول آتی ذیل عناوین تحول یاد

می‌شوند منحصر در فقه معاملات دانست و نویسندگان این تحقیق از پیش بر عدم این انحصار تأکید دارند. خلاصه این که جهت ایجاد دقت و ارتباط در گزینش شاهد از دیدگاه‌های فقهی و مقایسه با موارد مشابه، محدودیتی معقول برای دامنه تحقیق اختیار شده و این امر نافی ممنوعیت مراجعه به سایر قسمت‌های فقه نمی‌باشد و هر کجا ضرورت ایجاب کند از سایر ابواب نیز برای تقویت مطالب استفاده خواهد شد.

علاوه بر تحدیدی که در قسمت متن یا همان ابواب فقه اختیار شد برای افزایش دقت و کارایی تحقیق، در میان تاریخ پر تلاطم این دانش نیز دست به گزینش زده شد و فاصله زمانی شیخ طوسی و شیخ انصاری برای مقایسه تحولات در دیدگاه‌ها انتخاب گردید. نقش کلیدی و اساسی این دو فقیه مؤلف، بر فقه پژوهان مخفی نیست، ولیکن مقصود از این اعمال محدودیت نیز صرفاً اختصاص دیدگاه‌ها به ایشان نیست، بلکه هدف بررسی تطور اندیشه‌های فقهی در فاصله زمانی زندگانی شیخ طوسی تا شیخ انصاری است، از همین رو گاه ممکن است به جهت عدم پرداخت ایشان به موضوع موردنظر اظهارنظر صریحی از آن‌ها ذکر نشود. هدف نشان دادن فضای حاکم بر اندیشه‌ی فقهی در دوره‌های حیات این دو فقیه می‌باشد و روشن است فقه این دو فقیه به عنوان شاخصی از اندیشه‌های زمانه ممتاز و قابل اعتناست.

تحقیق در دو فصل؛ به تطور اندیشه‌های شکلی و ماهوی می‌پردازد. مدار مباحث شکلی حول مسائل مربوط به تحولات نحوه تبویب و شیوه‌ی طرح مباحث فقهی تنظیم شده است. در بخش ماهوی گزاره‌ی فقهی به موضوع و حکم تقسیم شده و هر قسمت مطالعات مخصوص به خود را تشکیل می‌دهد. در بخش مطالعات موضوعی نگاهی به تطورات موضوع‌شناسی خواهیم داشت و در فصول مربوط به کبرای قیاس و استدلال فقهی، مقوله‌های عرف، سیره عقلا و مباحثی از اصول فقه مورد بررسی قرار می‌گیرند. به علاوه این که در فصل کلیات به اختصار، مباحثی پیرامون شناختی از فضای حاکم بر فقه و دوره شیخ طوسی و شیخ انصاری ارائه می‌شوند. در همین قسمت به مبانی تحول‌پذیری فقه معاملات نیز نگاهی دقیق‌تر خواهیم داشت.

## ب: ضرورت تحقیق و هدف

علم فقه در طول تاریخ بیش از هزار ساله خود تحولات متعددی را شاهد بوده، لکن بیشتر کسانی که به مطالعه و تحصیل این علم می‌پردازند از این تحولات آگاهی تفصیلی ندارند. برخی صاحب‌نظران معتقدند با توجه به گستردگی تئوری‌ها و نظریه‌ها در فقه، اگر بخواهیم در مباحث فقهی جزئی‌نگری کنیم و با تک‌نگاری پیرامون آراء فقهی خاص پیش رویم، مدت زیادی وقت می‌برد که نتیجه قابل قبولی در خصوص شناخت تغییرات حاصل شود. شناخت تحولات فقهی افزون بر این که برای هموار کردن، توسعه بخشیدن و پیشرفت دادن به علم فقه ضروری است، دارای کارکرد مؤثری در دو مرحله‌ی آموزش اجتهاد و استنباط یعنی تحصیل و عملیات استنباط حکم نیز می‌باشد. به طور فهرست‌وار خلاصه‌ای از اهداف تحقیق حاضر ارائه می‌گردد:

- مطالعه دوباره و از زاویه نوین آثار به جای مانده از بزرگان این علم
  - دستیابی به شناختی فرامتنی و کل‌نگر به فقه
  - ارائه گزارشی از جریان فقه (بالأخص متاجر) طی حدود ۸ قرن
  - ارائه اثری بکر در زمینه چگونگی بهره‌برداری و تعامل با منابع استنباط در طول زمان
- مورد تحقیق
- بیان تحقیقی در خصوص کاربرد اصول عملیه در دو مقطع زمانی تاریخ فقه
  - شناخت دقیق‌تر از تحولات مربوط به موضوع‌شناسی و منابع شناخت موضوع و ورود برخی مسائل نوین به این عرصه
  - شناسایی علل ورود سیره عقلا به مجموعه استنباط احکام
  - بررسی سوابق به کارگیری دلایلی چون عرف و سیره عقلا در فقه
  - تحلیلی بر مبانی تحول‌پذیری فقه معاملات
  - مطالعه تغییرات در نحوه بیان فقه و شیوه‌های دسته‌بندی و تقسیم مباحث آن

## ج: پرسش‌های اساسی تحقیق

با توجه به ساختاری که در ابتدای مباحث ذکر شد؛ تحقیق حاضر حول دو محور اساسی تدوین خواهد یافت: اول مباحث مربوط به تحولات شکلی و دو دیگر تحولات محتوایی. بدیهی است سؤالات تحقیق نیز به دنبال روشن شدن همین اهداف طرح شده‌اند.

۱- چه تحولاتی در نحوه تبویب و تقسیم‌بندی فقه و همچنین بیان فقه در آثار دو دوره مشاهده می‌شود؟

۲- عرف و سیره عقلا چه جایگاهی در گذر زمان در فقه معاملات دارا می‌باشند؟

۳- در خصوص موضوع‌شناسی احکام فقهی می‌توان به وقوع چه تحولاتی اشاره کرد؟

۴- اصول عملیه بالأخص استصحاب و براءت در طول هشت قرن چه تحولاتی به خود دیده‌اند؟

## د: فرضیه‌ها یا پاسخ‌های احتمالی تحقیق

فرضیات تحقیق نظر به سؤالات تحقیق این چنین قابل گزارش هستند:

- فقه در دوره‌های ابتدایی ساختار نهایی خود را در نحوه ارائه و بیان و تبویب می‌یابد و به طور کلی در سده‌های اخیر در این خصوص تحول چشمگیری قابل گزارش نیست.
- در گذر زمان رجوع به سیره عقلا رفته رفته جایی برای خود باز کرده و ادله موجود با انتقادات گسترده مواجه می‌شوند. همچنین چرخش مدارک و دلایل عموماً به سمت دخالت دادن بیشتر به عرف است.
- موضوعات احکام همگام با تحولات اجتماعی به مرور بساطت اولیه خود را از دست داده و نیازمند بررسی‌های بیشتری می‌شوند. در این هنگام فقیه خود را موظف می‌داند در این عرصه نیز مکلفان را وا نگذارد و عهده‌دار و متکفل بازشناسی ابعاد مختلف بحث گردد. از همین رو تحولاتی عمیق در موضوع‌شناسی ملاحظه می‌شود.
- براءت و استصحاب در دوره شیخ انصاری تبدیل به اصل عملی شده و از ذیل دلایل عقلی که تا پیش از آن جای داشتند خارج می‌شوند. به علاوه مباحث پیرامون این دو اصل در این دوره به طور چشمگیری نسبت به دوره‌های اولیه افزایش می‌یابد.

## ۵: پیشینه تحقیق

به طور پراکنده تألیفاتی در برخی عرصه‌ها صورت گرفته، لکن همان‌طور که توضیح آن در تبیین موضوع رساله گذشت، نگاهی که تألیف حاضر دنبال می‌کند بکر و نوآورانه محسوب می‌شود. به طور قطع از نتایج و روش تحقیقاتی که به عرصه فقه معاملات و دیدگاه‌های دو فقیه پرداخته‌اند استفاده خواهد شد، لکن متذکر می‌گردد به تألیفی در خور توجه موازی با اهداف این رساله دسترسی حاصل نشد تا بتوان از آن یاد کرد. به برخی تألیفات اشاره می‌شود که مؤلفان‌شان برخی زوایای اندیشه فقهی دو فقیه (شیخ طوسی و شیخ انصاری) را مدنظر داشته‌اند: برخی از تألیفات کنگره جهانی بزرگداشت دوستمین سالگرد شیخ انصاری: «نظرات علمی و تطورات فقهی شیخ انصاری»، نویسنده: محمدرضا علم الهدی؛ «روش‌های تفسیری در اندیشه شیخ انصاری»، نویسنده: احمد میر عمادی؛ «آیات استشهادی شیخ بزرگوار انصاری»، نویسنده: محمداقبر محقق؛ «طریق الشیخ الانصاری الی المعصوم»، نویسنده: سید محمود مرعشی نجفی؛ «نگرشی بر روش فقهی و اصولی شیخ انصاری در دو کتاب رسائل و مکاسب»، نویسنده: سید علی شفیعی؛ «الدلیل و الحجة فی مدرسة الشیخ الانصاری»، نویسنده: محمد مهدی آصفی؛ «بینش و روش اجتهاد در مکتب شیخ انصاری»، نویسنده: مهدی‌هادوی؛ همچنین مجلدات مجله حوزه در خصوص شیخ طوسی و هزاره شیخ طوسی.



## فصل اول: کلیات

- ویژگی‌ها و امتیازات فقه شیخ طوسی و شیخ انصاری
- مبانی تحول‌پذیری فقه معاملات

## مبحث اول: ویژگی‌ها و امتیازات فقه شیخ طوسی و شیخ انصاری

### مقدمه

علی‌رغم این که در طول تاریخ دانش فقه، منابع اصلی استنباط شیعی، دست خوش تغییر به معنای دگرگونی یا جایگزینی نشده، اما روش اجتهادی؛ یعنی نحوه مواجهه‌ی عملی با این منابع، متفاوت و اندک متغایر مشاهده می‌شود. اجتهاد با وجود این که همواره معنا و غایت واحدی را دنبال می‌کند، مسیرها و روش‌های مختلفی را در پی نیل به هدف در پیش گرفته است. این امر آن قدر هویداست که با مطالعه‌ای هر چند گذرا در تاریخ فقه به خوبی مشهود و ملموس است.

فقه در جریان حرکت علمی خود مسیری پویا از خامی به کمال را پشت سر نهاده است. در طول این سیر شتابان، مقاطعی جلوه‌گر می‌شود که تفاوت‌هایی آشکارا با سایر قسمت‌ها دارد. برخی فقها به مدد لطف خداداد و نبوغ سرشار خود، پا را از نقل اقوال پیشینیان فراتر نهاده و ابتکار و نوآوری‌های قابل توجهی پدید آورده‌اند. کسانی که امروزه با نام «صاحب‌مکتب فقهی» بازشناسی می‌شوند احیاگرانی هستند که به جای پای فشاری بر روش گذشتگان و تقلید از شیوه‌های متداول، منهج و سلوکی مختص به خود را پیش گرفتند و با پایه‌ریزی بنایی جدید بر ساختمان فقه، راهی نو مقابل آیندگان گشودند.

شمارگان نوآوران بیش از آنی است که بتوان به راحتی احصاء نمود، لکن در این میان، بی‌تردید در هر مجموعه‌ای که در پی گزارش مکاتب فقهی است، نام بزرگانی چون شیخ طوسی و شیخ انصاری تحت عنوان پیش‌گامان پیش‌رو، خود نمایی می‌کند.<sup>۱</sup>

شهید مطهری، تحول در فقه شیعی را در سه مرحله اساسی می‌داند که عبارتند از:

- «مرحله‌ی نخست، در اوایل قرن پنجم، از سوی شیخ طوسی.
- مرحله‌ی دوم، در سده هفتم، به دست محقق حلی و علامه حلی، از نظر اصول فقه و جدا کردن حساب احادیث صحیح و ضعیف از یکدیگر.
- مرحله‌ی سوم، در قرن سیزدهم هجری، توسط خاتم‌المتأخرین شیخ مرتضی انصاری».<sup>۲</sup>

به زعم برخی اندیشمندان، قرن پنجم و ظهور مکتب شیخ طوسی سرآغازی است بر باروری، تعمیق و گسترش فقه و همچنین بنیان‌بنایی که دیگر دچار دگرگونی‌های اساسی نشد. از این زمان به بعد هر که به دانش فقه پرداخت به وضوح ادامه‌دهنده‌ی روش پیشینیان خود بوده است.<sup>۳</sup>

---

۱- این مساله که شیخ طوسی و انصاری (رهما) همواره جزء سردمداران تحول شناخته شده‌اند مورد اذعان تاریخ‌نویسان فقه می‌باشد، به طوری که در همه تالیفاتی که با نگاهی به تحولات فقه تدوین یافته‌اند مبدا حداقل بخشی از سرگذشت فقه، آثار و افکار این دو نام آور قرار داده شده است. برای نمونه: *ادوار فقه و کیفیت بیان آن* (جناتی، محمد ابراهیم، صص ۲۵ - ۶۰) *تاریخ فقه و فقها* (گرچی، ابوالقاسم، صص ۱۱۷ - ۲۶۴) *موسوعة طبقات الفقهاء* (سبحانی تبریزی، جعفر، صص ۲۰) *ادوار فقه* (شهابی، محمود، ج ۱، صص ۳۸۳) *مروری بر تاریخ فقه و فقها* (جعفری هرنندی، جعفر، صص ۱۳۱ - ۱۴۱) *مقدمه‌ای بر فقه شیعه* (مدرسی طباطبائی، حسین، صص ۲۹ - ۶۲). عظیمی، حبیب‌الله، *پیشنهادی در ادوار تحولات فقه امامیه*، مجله مطالعات اسلامی، از صص ۱۲۵ تا ۱۵۶، شماره ۵۷، پاییز ۸۱.

۲- مطهری، مرتضی، *الهامی از شیخ الطائفه*، در یادنامه شیخ طوسی، ج ۳، صص ۳۱۹.

۳- برای نمونه مدرسی طباطبائی نه تنها ناقدان روش شیخ، چون ابن ادریس حلی و سدیدالدین حمصی، بلکه نوآرانی چون محقق و علامه حلی را نیز متعلق به دوره‌ی شیخ طوسی می‌داند و نقش عمده‌ی محقق و علامه در فقه را جمع و جور کردن، پیراستن و پخته کردن فقه شیخ الطائفه می‌بیند. مدرسی طباطبائی، سید حسین، *زمین در فقه اسلامی*، ج ۱، صص ۳۶؛ همچنین سید مهدی بحرالعلوم در کتاب *الفوائد الرجالیة* می‌گوید: «تمام

از سوی دیگر شیخ انصاری نیز در قرن سیزدهم طلایه‌دار حرکتی شد که در عین ابتدای بر میراث گذشتگان، زوایای پنهانی را گشود که مسبوق به سابقه‌ای نبود، تا حدی که اطلاق جنبشی نوین بر ثمره تلاش‌های وی به درستی روا است. در هر صورت هنگامی که تاریخ فقه مورد مطالعه قرار می‌گیرد بخش‌هایی که منسوب به تلاش‌های شیخ طوسی و شیخ انصاری است با امتیازات آشکاری خود نمایی می‌کند. به جهت همین تأثیرات فراوان این دو عالم بر پیکره‌ی علم فقه، تحقیق حاضر مبتنی بر اندیشه‌های ایشان قرار داده شده است.

ابتدای مباحث رساله به بیان ویژگی‌های فقهی دوره‌های صولت و عظمت علمی شیخ طوسی و شیخ انصاری اختصاص داده شده تا از این میان به شکل اختصاری فضای حاکم بر فقه در مقایسه هشت قرن پدیدار گردد.

### گفتار اول: ویژگی‌های فقه شیخ طوسی

«شیخ طوسی<sup>۱</sup> در شرایطی پا به بغداد گذاشت که از یک طرف بین شیعیان و عموم اهل سنت منازعات علمی و مذهبی جریان داشت و این منازعات گه‌گاه به دلیل آمیخته شدن با تعصبات

---

فقه‌های بزرگی که بعد از شیخ آمده‌اند در کتاب‌های وی تفقه کرده و از آن‌ها استفاده برده و مقصود خود را بر گرفته‌اند» ج ۳، ص ۲۲۸.

۱- محمد بن الحسن بن علی الطوسی به سال ۳۸۵ ه. ق در طوس، از شهرهای خراسان متولد شد و با گذشت بیست و سه سال از عمر شریفش (۴۰۸ ه) راهی بغداد مرکز سیاسی آن روزگار شد. (امین، سیدمحسن، *أعیان الشیعه*، ج ۹، ص ۱۵۹) فرصت را غنیمت شمرد و از محضر بزرگان علمی شیعی آن دوران از جمله حسین بن عبید الله بن ابراهیم معروف به ابن الغضائری (۴۱۱ ه)، ابو عبد الله، محمد بن محمد بن النعمان معروف به مفید (۴۱۳ ه) و علمالهدی، ابوالقاسم علی بن الحسین الموسوی (۴۳۶ ه) که خود نیز افتخار شاگردی شیخ مفید را داشت و پس از وفات وی مدت ۲۳ سال زعیم مذهب جعفری بود، استفاده فراوان و وافی را برد. (آقا بزرگ طهرانی در *مقدمه تبیان*، چاپ نجف، نام ۳۷ نفر از استادان شیخ طوسی را به ترتیب حروف هجاء ذکر کرده است. (ص او به نقل از *تاریخ فقه و فقها*، ص ۱۸۴) از این میان بیش‌ترین بهره را از سیدمرتضی برد و سید نیز با شناختی که از شاگرد یافته بود عنایتی خاص به او داشت. (تا آن جا که ماهیانه ۱۲ دینار به شاگرد ویژه خود می‌پرداخته. گرجی، ابوالقاسم، *مقدمه ذریعة سید مرتضی*، صفحه ۷ و ۱۱) پس از وفات سیدمرتضی به سال ۴۳۶ شیخ طوسی عهده‌دار زعامت علمی شیعه شد و زین پس خود محور درس و بحث آن ایام گردید. بیش از ۳۰۰ تن از دانشمندان شیعی و تعداد زیادی از اهل سنت را مفتخر به شاگردی وی دانسته‌اند. (دزفولی،